

راه اندازی کند تا در آن شاعران کشور های مختلف جهان با زبان های مختلف را دعوت کند تا حضور این شاعران در ایران و معرفی شعر روز ایران به جهان، این امیدواری پیش بیاید تا شاید شعر ایران تر جمه و به دیگر کشور ها صادر شود. اما این جشنواره نیز نتوانست استمرار داشته باشد و تنها دو دور، آن هم به صورت فاصله دار برگزار شد.

جشنواره هشتم یارو یگری متفاوت

جشنواره هشتم در حالی کلید خورد که دبیری آن به کاکایی رسید شاعری که این سال ها از منتقدان بود. البته در شورای سیاست گذاری ترکیبی جامع دیده می شود. سید علی موسوی گرمارودی، محمد علی معلم دامغانی، عباس کی منش (مشفق کاشانی) محمد علی مجاهدی، محمد علی بهمنی، حسین اسرافیلی، علی رضا قزو، پرویز بیگی حبیب آبادی، فاطمه راکعی، سعید بیانکی، عبد الجبار کاکایی، محمود اکرامی، افشین علاء، موسی بیدج و فاضل نظری از سوی صالحی معاون فرهنگی وزیر ارشاد به عنوان اعضای شورای سیاست گذاری هشتمین دوره جشنواره بین المللی شعر فجر منصوب شدند. همچنین طی حکمی جداگانه از سوی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی قادر طراوت پور به عنوان دبیر اجرایی هشتمین جشنواره بین المللی شعر فجر منصوب شد.

هشدار کاکایی درباره سهم خواهی از شعر فجر

عبد الجبار کاکایی در اولین اظهار نظر های خود با انتقاد از سهم خواهی از جشنواره شعر فجر گفت: بخش بزرگی از جریان های شعری با جشنواره شعر فجر همراهی می کنند، اما افراطیونی از هر دو طرف جشنواره را به دولتی بودن منتسب می کنند یا نگران کم رنگ شدن شعر انقلاب در جشنواره هستند. دبیر علمی هشتمین جشنواره شعر فجر در گفت و گو با ایسنا، درباره روند گفت و گو با شاعران جریان های شعری مختلف برای شرکت در جشنواره شعر فجر گفت: به طور طبیعی بخشی از گفت و گوها و نظرات شاعران مختلف از طریق خبرگزاری ها منتشر می شود و من رویکرد شاعران را به جشنواره به طور کلی مثبت می بینم. اما قرائتی هست که نشان می دهد برخی شاعران همچنان دوست دارند تابلو های سیاسی شان علم باشد و درخواست نوعی رانت خواری و ویژه خواری از جشنواره را دارند. اما ما می خواهیم جشنواره بر اساس معیار های عقلی و علمی پی گرفته شود و از گروه های ادبی هم که رگ های پرنک سیاسی دارند، خواستیم شعار های سیاسی شان را کنار بگذارند و در جشنواره حضور داشته باشند تا استعداد ها شناسایی شوند و رویکرد مخاطبان به جریان های مختلف شعری را ببینیم. کاکایی در ادامه تأکید کرد: من ۸۰ درصد جامعه ادبی را مستعد چنین جریانی می دانم، اما از سوی افراطی های دو طرف اظهار نظر های تند می شود که می گویند جشنواره شعر فجر دولتی است و برخی هم فکر می کنند شاید در این جشنواره گفتمان انقلاب کنار گذاشته شود یا کم رنگ تر شود. اما بهتر است این حرف ها را کنار بگذاریم و با همه ظرفیت خود در جشنواره حضور داشته باشیم.

و کلام آخر

به نظر می رسد این «ثروت ملی» بیش و پیش از آن که در میدان سیاست به بازی گرفته شود نیازمند حمایت است. برنامه می خواهد تا استعداد های ادبی شکوفا شود و از این رهگذر فرهنگ ایرانی اسلامی ما هم در تداوم تاریخی این سرزمین و هم در معرفی به جهان سهم بایسته و شایسته خود را ایفا کند. البته همین ماجر با کمی تفاوت در حوزه داستان هم تکرار شده است. هر چند از پیشنهاد های معاونت فرهنگی دولت یازدهم این است که با ادغام بنیاد ادبیات داستانی در حوزه شعر بنیاد ادبیات ایران تشکیل شود که به نظر اقدام قابل اعتنا بی است اما این رفت و آمدهای اداری برای حوزه شعر و ادبیات چندان مفید نیست و باید نگاهی جدی، کلان و راهبردی به آن داشت.

شعر نباید پدر خوانده داشته باشد

حمید رضا شکار سری، شاعر و منتقد نیز معتقد است: شعر ما همواره بدون متولی بوده و شاید در سستش هم همین باشد. شاید اگر شعر دارای متولی و پدر خوانده باشد، درست نباشد. چون هنر همیشه حامی داشته و معمولاً همیشه حامیان از هنرمندان انتظار داشته اند. بنابراین در مورد این که گمان می رود اکنون شعر کشور متولی لازم دارد، من اساساً معتقدم وجود متولی لازم نیست و نباید متولی برای شعر در نظر گرفت. البته حمایت از شاعران بحث دیگری است که نامش تولی گری نیست. نگاه حمایتی از هنرمندان و شاعران ناشی از وظیفه مندی دولت است؛ اما دولت در شعر و هنر نباید متولی باشد. اگر دولت بپذیرد که تنها حمایت کند و دست از هدایت بردارد، بسیار نیکوست، اما متأسفانه این یک رویای دور است و حمایت بدون هدایت عملناشدنی به نظر می رسد.

شعر، آخرین واگن قطار فجر

در سال ۸۵ یعنی چند سال قبل از این که همان سمت «باری به هر چه‌تی» قائم مقامی شعر را به افتد و بعد هم دفتر شعر و ادب، نخستین جشنواره شعر فجر به دبیری علیرضا قزو کلید خورد. اتفاقی که خیلی دیر رخ داد و بعد از سالها که جشنواره های هنری در دهه فجر برگزار می شد، شعر هم صاحب جشنواره شد. این رویداد که قطعاً اقدام خوبی به شمار می رفت هم با اختلاف نظر هایی همراه شد. البته تا حدودی نوع و جنس انتقادات متفاوت بود و بیش از آن که اشکال به اصل کار برگردد به نوع برگزاری بر می گشت. در این دوره دفتر شعر و موسیقی معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، برگزاری جشنواره شعر فجر را به عهده داشت. برگزاری این رویداد و انتقادات به آن به گونه ای بود که قزو را عصبانی کرد و گفت: این جشنواره گوشت قربانی نشود که به همه برسد. او حتی در گفت و گو با ما در ویژه نامه نوروزی گفت دبیری این جشنواره برداشتن یک وزنه ۱۰۰۰ کیلوپی بود و من را خیلی اذیت کرد چون همه آمده بودند تانق بزنند و همدلی نبود. از نکات جالب این جشنواره تمجید از اخوان، منزوی و ترقی بود. در دوره دوم جشنواره شعر فجر محمود رضا اکرامی در دبیر بود و محمود سالاری دبیر اجرایی. در سومین جشنواره شعر علی معلم دامغانی دبیر، فاضل نظری دبیر علمی و مصطفی امیدی دبیر اجرایی جایزه بودند. چهارمین دوره بادیبری سید علی موسوی گرمارودی برگزار شد و مرضی امیری اسفندقه و مصطفی امیدی، دبیر علمی و دبیر اجرایی بودند. در پنجمین دوره دبیری جشنواره به پرویز بیگی حبیب آبادی و دبیری علمی به محمود اکرامی فرو دبیری اجرایی به مصطفی امیدی رسید در دوره ششم باز هم پرویز بیگی حبیب آبادی به عنوان دبیر جشنواره شعر فجر انتخاب شد و دبیر اجرایی جشنواره رضا حمیدی بود.

و سال گذشته نیز در هفتمین دوره جشنواره شعر فجر محمد علی بهمنی به عنوان رییس شورای علمی جشنواره منصوب شد و رضا حمیدی دبیری جشنواره را بر عهده داشت از مهم ترین اتفاقات این دوره از جشنواره اضافه شدن بخش انتخاب شاعر مردمی بود که انتقادات زیادی را به همراه داشت، اما در نهایت «علیرضا قزو» و «حمید رضا برقی» به عنوان «شاعران مردمی ۱۰ سال اخیر» انتخاب و تقدیر شدند. همچنین در مراسم پایانی جشنواره اعلام شد، در این نظر سنجی محمد رضا شفیعی کدکنی، علی معلم دامغانی، محمد علی بهمنی و فاضل نظری نیز آرای بالایی داشته اند. در میان اسامی داوران این چند دوره نام های مشابه زیاد به چشم می خورد.

یکی از مهم ترین انتقادات به جشنواره شعر فجر، اطلاق عنوان بین المللی به آن بود. در ابتدا بخش بین الملل این جشنواره تنها به دعوت از چند شاعر فارسی زبان از کشورهای مثل افغانستان و تاجیکستان بسنده می کرد. همین موضوع باعث شد تا خیلی ها انتقاد کنند که این چه جشنواره ای است که عنوان بین المللی را یکدی می کشد؟ در نهایت معاونت فرهنگی تصمیم گرفت جشنواره دیگری با عنوان شاعران ایران و جهان

بعد از تغییر دولت و آمدن علی جنتی به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، همچنان از قائم مقام شعر خبری نبود، نه حکمی لغو و نه کسی ابقا شد خبر ها حاکی از آن بود که طالبیان دیگر به وزارت ارشاد نمی رود و برای طراوت پور هم حکم جدیدی زده نشده است

هیچ تغییری در احوال شعر، جلسات شعر، نشریات شعر رخ می دهد یا نه. من از ساختار اداری این دفتر خبر ندارم اما باز تاب فعالیت هایش بالاخره باید به شکلی دیده شود. مثلاً اگر سازمان محیط زیست فعالیتش انجام می دهد نتیجه اش باید در پاکای هوای تهران یا حفظ محیط زیست دیده شود. درباره دفتر شعر و ادب هم باید نتیجه ای از فعالیت های این دفتر را در حوزه شعر و ادب ببینیم.

وی افزود: قبل از دفتر شعر و ادب گفتند قائم مقام شعر داشته باشیم اما عملاً کار محسوسی دیده نشد و این نشان می دهد برای کسانی که این طور تصمیم می گیرند، این گونه پست ها و دفتر ها فانتزی است و کاری نمی خواهد. مثل مغازه ای که باز شود و خرید و فروشی در آن انجام نشود صرفاً به مغازه دار حقوق بدهند. اصلاً بگویند وزارت شعر و ادب اسمش هر چه که باشد. باید کاری انجام شود و گر نه چه فایده ای دارد. البته برای کسانی که در این مناسبت ها منصوب می شوند و پست می گیرند فایده دار اما برای فرهنگ نه.

استقبال از برگشت

پرویز بیگی حبیب آبادی هم از بازگشت روند سرپرستی امور شعر در معاونت فرهنگی استقبال و آن را خوب ارزیابی کرد و برای این صحبتش این چنین دلیل آورد: چون در آن حالت این دفتر نه بود چه کافی داشت و مدیریتش هم در آن اعمال نمی شد. وقتی شعر زیر نظر معاونت فرهنگی می رود بدیهی است که بودجه دارد، مدیر و مسئول دارد و به شکل بهتری کار ها دوام و قوام می یابد. این شاعر تصمیم قبلی وزارت ارشاد را که منجر به تاسیس دفتر شعر و ادب شد، فوق العاده عجولانه خواند و گفت: قبل از گرفتن چنین تصمیمی باید کار گروهی می نشستند چند ماهی تحقیقات میدانی انجام می دادند با شعرا مشورت می کردند و بعد تصمیمی می گرفتند ولی این حرکت ناگهانی سودی به حال شعر نداشت.

عبد الجبار کاکایی در اولین اظهار نظر های خود با انتقاد از سهم خواهی از جشنواره شعر فجر گفت: بخش بزرگی از جریان های شعری با جشنواره شعر فجر همراهی می کنند، اما افراطیونی از هر دو طرف جشنواره را به دولتی بودن منتسب می کنند یا نگران کم رنگ شدن شعر انقلاب در جشنواره هستند